

تحولات اخیر جنبش کارگری ایران!

بهرام رحمانی

پانزدهم آذرماه هشتاد و شش

جنبش کارگری ایران و دیگر جنبش های اجتماعی جامعه ما، دوران سخت و سرنوشت سازی را از سر می گذرانند. خطر محاصره اقتصادی و احتمال بمباران مراکز نظامی حکومت اسلامی توسط دولت آمریکا و متحدانش، جامعه ایران را شدیداً در هراس و نگرانی فزاینده ای قرار داده است. زیرا چه محاصره اقتصادی و چه بمباران نیروگاه های اتمی، مراکز نظامی و شاهرگ های اقتصادی و... عواقب وخیم و فاجعه باری در پی خواهد داشت. در حالی که هنوز هیچ کدام از این فجایع روی نداده است، گرانی و تورم و بیکاری و ده ها آسیب اجتماعی، تأثیر مخربی بر زیست و زندگی خانواده های کارگری گذاشته است. مدت هاست که از رهبری حکومت اسلامی تا احمدی نژاد، سپاه پاسداران، بسیج، وزارت اطلاعات، لباس شخصی ها، انصار حزب الله و نیروهای انتظامی به حال آماده باش درآمده اند و مانورها و تمرین های نظامی مختلفی را در جهت سرکوب شورش های شهری برگزار کرده اند تا صدای اعتراض بر حق جنبش کارگری، جنبش زنان، جنبش دانشجویی و نویسندگان و روزنامه نگاران پیشرو را خفه کنند. در خیابان ها، تحت عنوان «مبارزه» با «اراذل و اوباش»، جوانان و زنان را مورد اهانت قرار می دهند و با ضرب و شتم غیرانسانی آن ها را دستگیر و زندانی می کنند. فعال جنبش کارگری را در روز روشن ترور می کنند تا با آفریدن رعب و وحشت در جامعه این جنبش ها و فعالین آن ها را مرعوب سازند و بهره کشی و استثمار را تشدید کنند. جامعه ما نه به انرژی اتمی حکومت اسلامی، و نه به «دموکراسی؟!» مدل آمریکایی که با بمب افکن ها و غرش موشک ها و ویرانی شهرها و روستاها، مدارس و بیمارستان ها و مراکز اقتصادی و کشتار و بی خانمانی صدها و هزاران و میلیون ها انسان می آید، نیاز دارد. جامعه ما، به تغییر و تحول بنیادی در کلیه عرصه های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نیاز دارد که اصلی ترین مانع سر راه آن نیز حکومت نکبت اسلامی است. بدین ترتیب، حکومت سرمایه داری و ضدکارگری اسلامی ایران، برای جلوگیری از پیشروی طبقه کارگر و حرکت های جنبش های برابری طلبانه و آزادی خواهانه دیگر، موج جدیدی از سرکوب، دستگیری، زندان و شکنجه و اعدام را در ملاء عام راه انداخته است تا به زعم خود، راه سازمان یابی و رشد و گسترش جنبش کارگری و جنبش های اجتماعی را بگیرد. حکومت سرمایه داری اسلامی، برای پیش برد این اهداف غیرانسانی و برای بقای حکومت خود، رقابت و کشمکش برسر بحران اتمی و تهدیدات آمریکا و دولت های غربی را دستاویزی برای میلیتاریزه کردن جامعه و سرکوب گسترده تر جنبش کارگری، جنبش زنان، جنبش دانشجویی و سایر حرکات های اعتراضی قرار داده است. آنچه که امروز بیش از هر زمان دیگری اهمیت دارد این است که برخی گرایشات حتی ظاهراً از موضع چپ نیز در داخل و خارج کشور، تبلیغ «همه باهم» بر علیه فضای موجود را سر داده اند. این تبلیغات اگر برای بورژوازی سودی دارد برعکس، برای جنبش کارگری سوسیالیستی سم مهلکی است. زیرا بورژوازی نیروی این جنبش را به

سیاهی لشکری برای پیشبرد اهداف سرمایه داری اش تبدیل می کند. جنبش کارگری، جنبش زنان و جنبش دانشجویی باید در هر شرایطی آلترناتیو طبقاتی خود را در مقابل جامعه قرار دهند. جامعه ما این «هم با هم» را در انقلاب ۵۷ ایران تجربه کرده و هنوز هم چوب آن را می خورد، بنابراین، باید از تاریخ بیاموزیم و اجازه ندهیم مرزهای طبقاتی جنبش های اجتماعی و گرایشات راست و چپ در هم بریزد. هر چقدر رقابت و کمشکش حکومت اسلامی و دولت های غربی و در راس همه آمریکا حادثر شود، صف بندی های جدیدی در جامعه و در اپوزیسیون پدید خواهد آمد و به همان نسبت نیز شعار «همه با هم» گسترده تر خواهد شد. برای مثال، یک بورژوا و یک کارگر نمی توانند در کنار هم برای امر مشترکی چه بر علیه سرکوب و اعدام، چه بر علیه استثمار و چه بر علیه جنگ مبارزه کنند. چرا که در مورد همه مسائل اقتصادی و سیاسی و اجتماعی، نه تنها منافع مشترکی را دنبال نمی کنند، بلکه در مقابل هم نیز قرار دارند. گرایشات بورژوایی این تبلیغات را راه انداخته اند تا نیروی جنبش های اجتماعی را به سیاهی لشکر خود در جهت اهداف بورژوایی شان مورد بهره برداری و سوء استفاده قرار دهند. این تبلیغات، تبلیغات مزورانه گرایشات بورژوایی و لیبرالی برای ابدیت بخشیدن به استثمار طبقه کارگر است. طبقه کارگر باید صفوف سراسری خود را فارغ از تبلیغات و هیاهوی بورژوازی متحد کند و جنبش های اجتماعی دیگر مانند جنبش زنان، جنبش دانشجویی، جنبش انقلابی مردم کردستان و همه نیروهای برابری طلب با جنبش کارگری پیوند بخورند تا حرکت عظیم طبقاتی در جامعه راه بیافتد. حرکتی که هیچ نیروی سرکوبگری جرات نزدیک شدن به آن را نداشته باشد.

طبقه کارگر، یکی از طبقات اصلی جامعه است و بر این اساس نیز باید در همه عرصه های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دخالتگر باشد و سیاست های اقتصادی و اجتماعی و آلترناتیوهای طبقاتی خود را در مقابل کل طبقه و جامعه قرار دهد. برای برداشتن گام های بلند و تاثیرگذار در سطح عمومی تری، باید تشکل سراسری کارگران بر علیه سرمایه داران سازمان دهی شود.

امروز حتی متوهم ترین افراد و جریانات نیز این واقعیت اجتماعی - طبقاتی را درک کرده اند که در مقابل وحشی گری های سیاسی و استثمار سرمایه داران و حکومت حامی آنان، فقط طبقه کارگر متشکل و متحد توان و قدرت ایستادگی دارد. مهم تر از همه اگر این طبقه مبارزه هدفمند و آگاهانه و سازمان یافته ای را در سطح سراسری با افق و چشم انداز سوسیالیستی سازمان ندهد، قادر نخواهد بود زنجیرهای اسارت خود را بگسلد و کل جامعه را از ستم و تبعیض و نابرابری و استثمار سرمایه داری رها سازد.

با نگاهی به اوضاع نابسامان اقتصادی و سرکوب مبارزه کارگران می بینیم که حکومت اسلامی، چه فضای خفقان آمیز و غیرقابل تحملی را در جامعه ایران آفریده است. باید این فضای رعب و وحشت را با قدرت طبقاتی کارگران و همه نیروهای آزادی خواه و برابری طلب شکست. این کار عملی و امکان پذیر است به شرطی تشکل و اتحاد و همبستگی سراسری طبقاتی به وجود آید.

گوشه هایی از تورم و گرانی در عرصه های مختلف اجتماعی

در حالی که در دو سال گذشته به خزانه حکومت اسلامی فقط از منبع فروش نفت خام، مبلغی در حدود ۱۲۰ میلیارد دلار واریز شده است و این مبلغ، نسبت به سال های قبل نزدیک به سه برابر افزایش نشان می دهد؛ نه تنها وضعیت

کار و معیشت مردم بهبود نیافته، بلکه بدتر هم شده است. به گزارش خبرگزاری ها، شنبه، ۲۹ آبان ماه ۱۳۸۶ برابر با ۲۰ نوامبر ۲۰۰۷، برای نخستین بار در تاریخ خود، قیمت نفت به بالاتر از ۹۸ دلار رسید و بشکه ای ۹۸،۰۳ معامله شد. اما سهم کارگران و مردم محروم ایران، از این درآمدهای هنگفت و کلان، جز فقر و سیه روزی چیز دیگری نبوده است؟! هر سال به ارقام کودکانی که از مدرسه و تحصیل محروم می مانند افزوده می شود و بر عکس، تعداد کودکان کار افزایش می یابد. هر سال نسبت به سال قبل، قدرت خرید مردم تنزل پیدا می کند.

آمارهای متفاوتی در رسانه های حکومتی و غیرحکومتی، درباره مشکلات اقتصادی و تورم و گرانی و تاثیر آن بر زیست و زندگی مردم انعکاس می یابد. هر چند که این آمارها چندان دقیق نیستند و به ویژه در حالی که آن ها از صافی و فیلتر سانسور حکومتی رد می شوند، اما در همین حد نیز ابعاد وسیع بحران و فقر و فلاکت اقتصادی را به نمایش می گذارند. بحرانی که بهای گزاف و سنگین آن را کارگران و مردم محروم می پردازند تا سرمایه داران و سران حکومت و نزدیکان آن ها هر چه بیش تر در رفاه و ثروت بلولند.

برای مثال، سایت حکومتی آفتاب، ۳ آذر ۱۳۸۶ برابر با ۲۴ نوامبر ۲۰۰۷ نوشت: حدود دو هفته گذشته بانک مرکزی نرخ تورم را بیش از ۱۶ درصد اعلام کرد. این در حالی است که روز گذشته علی عسگری، سخنگوی فراکسیون حزب الله مجلس، اعلام کرد که نرخ واقعی تورم ۲۴ درصد است. پیش از این مرکز پژوهش های مجلس، نرخ تورم را ۲۳ درصد پیش بینی کرده بود که از سوی دولت این رقم رد شده بود.

آمارهایی که در زیر به نمونه هایی از آن ها اشاره می کنیم که مربوط به کم تر از دو ماه اخیر است.

* قادری معاون اجتماعی بهزیستی خراسان رضوی: «۲۰ درصد کودکان کار، خیابان خواب هستند.» (ایسنا)

* جهانبخش امینی نماینده مجلس: «متأسفانه فقط ۵۰ درصد از آب شرب در روستاها و مناطق محروم قابل آشامیدن است.» (فارس)

* طاهایی، معاون وزیر کار: «بیش از ۵۰۰ هزار کارگر واجد شرایط در کشور فاقد مسکن هستند.» (ایسنا)

* رئیس حفاظت اطلاعات قوه قضائیه گفت: بیش از ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار خانوار در کشور که بالغ بر ۱۱ میلیون نفر را شامل می شوند، زیر خط فقر هستند.

* پس از حکومت اسلامی، رشد جمعیت کشور ۱/۷ برابر و رشد متوسط جمعیت زندان ها نیز ۷/۵ برابر شده و این در حالی است که نزدیک به ۵۰ درصد زندانیان زیر ۳۰ سال عمر دارند.

* جهرمی وزیر کار: کاهش نرخ بیکاری مستلزم ایجاد اشتغال برای ۶ میلیون نفر در سال است. (ایسنا) وزیر رفاه و تامین اجتماعی در جلسه کمیسیون اجتماعی مجلس گفت: هفت میلیون و ۳۰۳ هزار نفر در کشور زیر خط فقر مطلق هستند که با در نظر گرفتن جمعیت خط فقر شدید شهری و روستایی، ۹ میلیون و ۲۴۲ هزار و ۷۰۰ نفر در کشور زیر خط فقر شدید و مطلق هستند. (ایسنا)

* در حال حاضر فقط در شهر تهران، پنج تا ۵/۵ میلیون نفر حاشیه نشین وجود دارد که با فرض نرخ رشد ۲/۳ درصدی شاهد افزایش رو به رشد آن در طی سالیان آتی خواهیم بود. قالیباف، شهردار تهران نیز درباره آمار حاشیه نشین های تهران می گوید، با توجه به ارزیابی های صورت گرفته در حوزه خدمات شهری، تهران بیش از ۳/۵ میلیون نفر حاشیه نشین دارد که این معضل، عوارض و ناهنجاری های فراوانی در پی خواهد داشت. (صدرا نیوز)

* يك بسته چای معمولی بدون عطر معمولا تا آخر ماه برای يك خانواده باقی می ماند البته اگر خیلی چای خور نباشند. این يك بسته چیزی حدود ۲۰۰۰ تومان قیمت دارد.

در واقع به طور متوسط می شود گفت که خرج نان هر خانواده بین دو تا سه هزار تومان است. برای يك خانواده چهار نفره تقریبا يك كيلو پنیر تبریزی احتیاج است که چیزی حدود ۵۰۰۰ الی ۶۰۰۰ تومان خرج دارد. انواع و اقسام پنیرهای بسته بندی شده با طعم های متفاوت در بازار موجود است این پنیرها از بسته بندی های يك نفره ۲۰۰۰ تومان شروع می شود و تا ۲۵۰۰ تومان ادامه دارد. هر کدام از این بسته های بزرگ برای دو هفته کافی است و در ماه چیزی حدود ۴۰۰۰ تا ۵۰۰۰ تومان خرج برمی دارد.

کره از بسته های کوچک ۵۰ گرمی تا ۵۰۰ گرمی در بازار به فروش می رسد که تقریبا هر خانواده چهار نفره در ماه چیزی حدود دو عدد کره ۵۰۰ گرمی مصرف میکنند که چیزی حدود ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ تومان قیمت دارد. قیمت مرباهای بسته بندی شده و کارخانه ای بسته ای حدود ۴۰۰ تا ۱۰۰۰ تومان متغیر است که در ماه همین يك شیشه اش کافی است. سرجمع يك صبحانه سنتی کامل برای يك خانواده چهار نفره در ماه حدود ۱۰ هزار تومان به طور متوسط خرج دارد حالا اگر کمی مدرن تر باشید و شیرو آب پرتقال و سوسیس تخم مرغ هم اضافه کنید که خرچتان آخر ماه سر به فلک می زند. اصلی ترین غذای ناهار ما ایرانی ها برنج است و برای هر وعده غذای دو نفره برای نهار چیزی حدود نیم كيلو مصرف می شود و در ماه تقریبا ۱۵ كيلو می شود. قیمت برنج هم متوسط کیلویی ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ تومان است. هر وعده خورش هم حدود ۲۵۰ گرم گوشت و کلی سبزیجات و حبوبات و البته روغن را شامل می شود که سرجمع هر وعده می شود حدود ۲۰۰۰ تا ۳۰۰۰ تومان. حالا شما ۱۵ كيلو برنج حساب کنید و شش كيلو گوشت از قرار کیلویی ۷۰۰۰ تومان تقریبا ۳۰۰۰۰ تومان خرج برنج می شود و ۴۲۰۰۰ تومان گوشت.

حبوبات و سبزی هم خیلی خوب تخمین بزنیم بین ۵۰۰۰ تا ۸۰۰۰ تومان در ماه می شود که این یعنی حداقل ۸۰ تا ۹۰ هزار تومان خرج ناهار. حالا شما دوست دارید که بی خیال ماست و نوشابه و مخلفات دیگر بشوید؟!

خرج خورد و خوراک در يك خانواده چهار نفره به حساب ما با حداقل هزینه ها حدودا ۱۵۰ تا ۲۰۰ هزار تومان تخمین زده شده است و اگر کمی لوکس تر و خوشمزه تر باشد بین ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار تومان با این حساب که پدر و مادر ظهرها غذا نمی خورند یا اگر می خورند همان غذای شام گذشته را با خودشان به اداره محل کار می برند و نوش جان می کنند یا از محل کار خود غذا می گیرند.

اما اگر بخواهند که به خودشان تنوعی بدهند و ظهرها چند روزی در هفته بیرون غذا بخورند تقریبا ۳۰۰۰۰ الی ۴۰۰۰۰ تومان هم به خرجشان اضافه خواهد شد.

حالا خودتان حساب کنید اگر هر دوی والدین شاغل باشند حقوق متوسط آن ها در ماه در مجموع بین ۶۰۰۰۰۰ الی ۸۰۰۰۰۰۰ تومان باشد چطور باید تا سر برج نفس بکشند و خرج کرایه خانه، پول بنزین یا رفت و آمد، خرج تحصیل، پوشاک و... چگونه باید جور در بیاید. (چکیده ای از گزارش درج شده در سرمایه)

اگر به این مشکلات اقتصادی و عدم تناسب دستمزدها با گرانی و تورم موجود، سرکوب های وحشیانه حکومت اسلامی را نیز بیفزاییم با شرایط غیرقابل تحملی روبرو می شویم. شرایطی که شایسته هیچ جامعه ای و انسانی نیست!

بی حقوق کارگران و اعتراض آن ها به این بی حقوق ها

* «محمود صالحی»، رهبر سرشناس جنبش کارگری ایران که در زندان سنندج به سر می برد، به دلیل وضعیت نامناسب جسمی در بهداری زندان بستری شد.

محمود صالحی که از بیماری کلیه رنج می برد ساعت ۷ عصر روز چهارشنبه ۲۵ مهر ماه به دلیل افت فشار خون و ناراحتی کلیه در بهداری زندان بستری گردید و پس از ۴ ساعت به زندان منتقل شد. یک کلیه محمود از کار افتاده است و کلیه دیگر وی نیز تنها ۲۵ درصد فعالیت دارد.

محمود صالحی که از سوی دادگاه حکومت اسلامی به یک سال زندان محکوم شده است، روز ۲۲ فروردین ماه سال جاری در محل کارش بازداشت و از آن تاریخ تاکنون در زندان سنندج، زندانی است.

* روز شنبه ۵ آبان، جمعی از کارآموزان فنی و حرفه ای شاغل در طرح پتروشیمی شهرستان «یاسوج» در اعتراض به عدم دریافت حقوق خود دست به اعتصاب زدند. کارگران خشمگین طرح پارس جنوبی در این ماه و در طی سفر احمدی نژاد به عسلویه، در اعتراض به وضع بد معیشتی خود خودروی حامل احمدی نژاد را محاصره کردند. * کارگران البرز نیشابور، در اعتراض به اخراج کارگران، طی چند نوبت تجمع اعتراضی برگزار کردند.

طی روزهای ۸، ۹ و ۱۰ آبان ماه، ۳۰ نفر از کارگران واحد ژئوتکنیک سد گاران مریوان در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهایشان دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب اولین اعتصاب این کارگران نبوده و آنان از سه ماه گذشته تاکنون در اعتراض به عدم پرداخت به موقع دستمزدهایشان، سه بار اعتصاب کرده اند.

* روز ۱۹ آبان، جمعی از کشاورزان که در طی طرح خصوصی سازی دولت مجبورند زمین های خود را بالاجبار به شرکت پارس مغان بفروشند مقابل مجلس تجمع کردند.

* ۲۰ آبان، کارگران شاغل در سد سیاه زاغ دیواندره در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق خود دست به اعتصاب زدند. * در همین روز ۴۰ تن از کارگران شرکت تعاونی جنگل امامزاده ابراهیم در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مزایا و همچنین عدم پرداخت حق بیمه دست از کار کشیدند و در مقابل فرمانداری تجمع کردند.

* روز ۲۴ آبان، تعدادی از کارگران کارخانه قند بردسیر در اعتراض به عقب افتادن دستمزدهایشان در مقابل استانداری کرمان تجمع کردند.

* صبح روز جمعه ۲۵ آبان، حدود ۱۰۰۰ تن از کارگران کارخانه های شهرستان نیشابور، در یک راهپیمایی بزرگ در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و عدم رسیدگی به خواست هایشان شرکت کردند.

* ۲۸ آبان، تعدادی از اعضای سندیکای کارگران نقاش به منظور پیگیری شکایت خود از انجمن صنفی کارگران نقاش، که تحت نفوذ کارفرمایان قرار دارد، به اداره کار مراجعه می کنند اما در عوض دریافت جواب از مسئولان اداره کار، رضا دهقان از اعضای سندیکای کارگران نقاش توسط نیروی انتظامی بازداشت می شود و به پایگاه چهارم پلیس امنیت نیروی انتظامی واقع در میدان هفت حوض منتقل می گردد.

رضا دهقان، عضو سندیکای نقاشان به دلیل افشای تخلفات انجمن صنفی نقاشان و مسئول تشکل های کارگری، توسط پلیس امنیت ظهر ۲۸/۸/۸۶ دستگیر شد و پس از ۲۴ ساعت بازداشت در هفت حوض به زندان اوین منتقل گردید.

* روز دوشنبه ۲۸ آبان، کارگران کارخانه قوه پارس قزوین برای سی و پنجمین بار تجمع کردند. این کارگران ۱۸ ماه است که حقوقی دریافت نکرده اند.

* صبح روز ۴ آذر، جمعی از کارگران شرکت قوه پارس قزوین در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق معوقه خود مقابل مجلس تجمع کردند و خواستار شروع مجدد فعالیت این واحد و پرداخت حقوق معوقه خود شدند.

* طی روزهای گذشته جمعی از کارگران واحد ژئوتکنیک سد گاران مریوان، در اعتراض به عدم پرداخت حقوق ماهیانه خود دست به اعتصاب زدند. این کارگران که حدود ۵ ماه است حقوق خود را دریافت نکرده اند، روزانه مجبور به انجام ۱۲ ساعت کار سخت در ازای احتساب فقط ۲ ساعت اضافه کار می باشند.

* بر اساس گزارش کمیته دفاع از «محمود صالحی»، وضعیت جسمی وی روز پنجشنبه یکم آذر ماه، بار دیگر وخیم شد، اما مسئولین زندان بدون توجه به وضعیت «محمود صالحی» به مدت ۴ روز از انتقال وی به بیمارستان خودداری کرده و سرانجام روز یکشنبه ۴ آذر ماه او را در بهداری زندان بستری می کنند.

عدم تغذیه مناسب یکی دیگر از عوامل تشدید بیماری «محمود صالحی» اعلام شده به صورتی که وی طی دو ماه گذشته تنها یک بار در زندان ساندج گوشت مصرف کرده است

* اعتصاب کارگران کارخانه «نیرو رخس» ساندج که از روز یکشنبه ۴ آذر ماه آغاز شده بود روز سهشنبه نیز ادامه یافت و کارگران بر ادامه اعتصاب تا دست یابی به خواست هایشان تاکید کردند. کارگران کارخانه نیرو رخس ساندج خواستار پرداخت دستمزد معوقه ۳ ماه گذشته خود و نصب دستگاه های گرمایشی در محل کارشان هستند، اما کارفرمایان این واحد بدون توجه به خواست های آنان، کارگران قراردادی را نیز به اخراج تهدید کرده اند. کارخانه نیرو رخس ۳۶ کارگر دارد و در زمینه مونتاژ کابل و سیم برق صنعتی فعالیت می کند.

* کارگران اخراجی کارخانه شاهو که هر روز در محل کارشان حاضر می شوند، روز سهشنبه ۶ آذر ماه در نامه ای به اداره کار و امور اجتماعی استان کردستان که رونوشت آن به اطلاعات، استانداری کردستان، نیروی انتظامی، اداره کل صنایع و اداره روابط کار نیز ارسال شده است، اعلام کردند که تا حل مشکلات و احقاق حق شان از پای نخواهند نشست. از سوی دیگر کارگران روز سهشنبه ۶ آذر، خطاب به ماموران اداره اطلاعات که به کارخانه رفته بودند اعلام کردند، در صورتی که تا روز شنبه ۱۰ آذر ماه به خواست هایشان رسیدگی نشود از محل کارخانه به سوی داخل شهر راهپیمایی خواهند کرد تا عموم مردم را در جریان وضعیت خود قرار دهند.

ترور فعال جنبش کارگری

کمیته مرکزی کومه له، طی اطلاعیه در تاریخ ۲۷ مهر ماه ۱۳۸۶ - ۱۹ اکتبر ۲۰۰۷، «در مورد سوء قصد عوامل جمهوری اسلامی به جان مجید حمیدی از فعالین جنبش کارگری»، خبر داد: «صبح روز پنجشنبه ۲۶ مهر ماه «مجید حمیدی»، یکی از فعالین جنبش کارگری، عضو کمیته هماهنگی، کمیته دفاع از محمود صالحی و فعال ایجاد شورای کارگری در شهر ساندج به هنگام خروج از منزل به وسیله افراد مسلح نقاب دار جمهوری اسلامی مورد سوء قصد قرار گرفت.

«مجید حمیدی» که از ناحیه شانه راست و گردن مورد اصابت چندین گلوله ماموران نقاب دار رژیم قرار گرفته بود به بیمارستان بعثت ساندج منتقل شد که به دلیل کمبود امکانات پزشکی و بنا به توصیه پزشکان برای معالجه به تهران انتقال یافته و آخرین خبرها حاکی ست که وضعیت جسمی این فعال کارگری وخیم است.

جمهوری اسلامی، هراسناک از رشد جنبش کارگری و دیگر جنبش های اجتماعی بعد از به کار انداختن ماشین جنایت خود، دستگیری و به بند کشیدن جوانان، اعدام های دسته جمعی در ملاء عام به منظور حاکم کردن فضای رعب و وحشت بر جامعه، این بار به ترور فعالین شناخته شده جنبش کارگری روی آورده است تا با ترور آن ها از دیگر فعالین و پیشروان کارگری زهر چشم بگیرد و مانع تلاش و کوشش های آن ها در زمینه سازمان یابی جنبش کارگری شود.

کومه له، ضمن محکوم کردن این اقدام جنایت کارانه و تروریستی رژیم جمهوری اسلامی، از همه کارگران و مردم آزادی خواه می خواهد که با هوشیاری و اتحاد و همبستگی مبارزاتی خود، تروریسم لجام گسیخته و سیاست وحشت پراکنی و جنایکارانه رژیم را با شکست روبرو سازند.»

روز پنج شنبه ۱۳۶۸/۷/۲۶، در گزارش دیگری آمده است، ساعت ۹ صبح، دو نفر موتورسوار با لباس شخصی، مجید حمیدی را در نزدیکی خانه خودش مورد سوء قصد قرار دادند و وی را زخمی کردند. در این اقدام تروریستی، ۸ گلوله به «مجید حمیدی» اصابت کرد، برای مداوا سریعاً به بیمارستانی در تهران منتقل گردید.

روز قبل از این واقعه نیز یک نفر لباس شخصی به درب منزل آقای بهزاد سهرابی، از اعضای کمیته هماهنگی و سخن گوی کمیته دفاع از محمود صالحی رفته که کسی در خانه نبوده است.

خوشبختانه اکنون مجید حمیدی که از این مهلکه جان سالم به در برده است، در گفتگویی با یکی از رادیوهای فارسی زبان خارج کشور گفت، این ترورها، ما کارگران را نمی ترساند و ما هم چنان به مبارزه خود ادامه خواهیم داد. این ها فقط چند نمونه از بی حقوقی ها و اعتراضات کارگری در هفته های اخیر است.

اعتصاب و اعتراض کارگران نیشکر هفت تپه

یکی از مهم ترین اعتصاب های کارگری دوره اخیر، اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه است. بیش از ۵ هزار کارگر نیشکر هفت تپه از روز شنبه ۷ مهر ماه برای چندمین بار اعتصاب و اعتراضات خود را آغاز کرده و خواستار پرداخت دستمزدهای معوقه، اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، ایجاد تشکل کارگری مستقل از دولت، دریافت خانه های سازمانی و اخراج مدیریت شده اند. در واقع مطالباتی که کارگران نیشکر هفت تپه مطرح کرده اند بخشی از مطالبات کل طبقه کارگر ایران است.

صبح روز پنج شنبه ۱۲ مهر ماه، در ششمین روز از اعتصاب و اعتراضات هزاران کارگر شرکت نیشکر هفت تپه، با یورش وحشیانه ماموران امنیتی و ضدشورش حکومت اسلامی قرار گرفتند. در جریان این یورش وحشیانه، حدود ۱۰ نفر از کارگران زخمی و ۲ نفر از کارگران با اسامی «فریدون نیکوفرد» و «رمضان علیپور» نیز بازداشت شدند. هم زمان با یورش به صفوف اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه، نیروهای سرکوبگر حالت حکومت نظامی اعلام نشده ای را در سطح شهر به اجرا در آوردند تا مانع حمایت و همبستگی مردم شهر با کارگران حق طلب شوند.

کارگران معترض نیشکر هفت تپه، همچنین یک شنبه ۱۵ مهر ۱۳۸۶ - ۷ اکتبر ۲۰۰۷، با ارسال نامه ای، از جامعه جهانی، سازمان جهانی کار، سندیکای کارگری جهان و سازمان های حقوق بشری در خواست کرده اند که برای دست یابی به اهداف و مطالبات شان از مبارزه آن ها حمایت کنند.

در بخشی از این نامه که سیزده خواسته نیز در پایان آن فرموله شده است، می خوانیم: «... در حالی که ما از تامین حداقل های زندگی عاجز بوده و شرمنده خانواده خود می باشیم. و ما کارگران نیز به دلیل این نحوه برخورد مسئولین که با بی تفاوتی به آن مشکلات نظر می کردند اقدام به تحصن در مقابل فرمانداری شهرستان شوش که بالاترین نهاد و اداره حکومت در این شهر می باشد کردیم و اعلام نمودیم تا رسیدن به خواسته های خود مانند: ۱- حل مشکل بدهی شرکت که دولتی می باشد و دولت توان بخشش آن بدهی ها را دارد. ۲- تضمین در خصوص این که شرکت با وضع موجود ورشکسته نمی شود. ۳- رها نکردن شرکت از نظر مالی توسط دولت. ۴- اصلاح سیاست های به نفع دولت در خصوص صنعت شکر و شرکت، تقلیل تعرفه کمرگی، جلوگیری از واردات بی رویه شکر توسط بخش خصوصی و حتی دولت. ۵- اجرای مشاغل بندی پس از ۱۳ سال که هر ۴ سال یک بار باید مورد بازنگری قرار گیرد که متاسفانه مسکوت مانده است. ۶- رسمی کردن کارگران موقت. ۷- ارتقای شغلی کارگران شاغل. ۸- تشکیل سندیکای کارگری. ۹- واگذاری منازل شرکت که در اختیار نیروهای نظامی؛ اطلاعاتی، بانکی و آموزش و پرورش و دیگر ادارات دولتی است. ۱۰- پرداخت به موقع حقوق کارگران. ۱۱- اجرای استانداردهای لازم در محل کار. ۱۲- اجرای طرح زیان آور با توجه به زیان آور بودن محل کار، بعضی از کارها در سطح شرکت. ۱۳- اصلاح نحوه دادن مزایا در خصوص سختی کار و بدی آب و هوا با توجه به دمای بالای ۵۰ درجه در محل کار و موارد دیگر. ما دست از تحصن بر نداشته و در صورتی که تحصن پایان پذیرد به صورت مشروط خواهد بود. موقتا اگر در کوتاه مدت و در مهلت داده شده به نتیجه خاصی نرسیم، اقدام مجدد به تحصن کرده و حاضر به پرداخت هرگونه هزینه جهت رسیدن به حقوق خود هستیم. همان گونه که قبلا نیز تعدادی از کارگران توسط دولت به دادگاه احضار شده و مورد بازخواست قرار گرفته اند و در چند روز گذشته نیز شبانه به درب منازل تعدادی از فعالان کارگری از طرف حفاظت و اطلاعات و امنیت شهرستان مراجعه و احضار شدند و کارگران را به آن اداره برده و مورد بازخواست قرار دادند و آن ها را تحت فشار قرار دادند تا از حضور در تحصن امتناع کرده و کارگران را از به دست آوردن خواست هایشان باز دارند. لازم به ذکر است در مدت زمانی که کارگران در آن محل مورد بازپرسی قرار می گرفتند دیگر همکاران اقدام به اعتراض شدید به این نوع برخورد کردند که با واکنش و برخورد شدید نیروهای انتظامی مواجه شدند و تعدادی زخمی و بازداشت شدند که با فشار کارگران نیروی انتظامی اقدام به آزادی آن ها نمود...»

این کارگران، در اطلاعیه دیگری نیز از جمله نوشته اند امروز ۲۴ مهر مطلع شدیم که مدیریت طرح نیشکر هفت تپه آقای شفیع برکنار شدند. برکناری مدیریت یک خواست ما کارگران بود و این را یک موفقیت دیگر برای خود می دانیم. ما به مدیریت جدید آقای مطیعی اعلام می کنیم که کماکان بر خواست های خود پافشاری می کنیم. خواست های ما عبارتند از:

- ۱- شورای اسلامی را مانع تشکل خود می دانیم. ما در انتخابات شورای اسلامی شرکت نمی کنیم و شورای اسلامی باید منحل شود. ۲- ما هر پنجشنبه ساعت ۱ تا ۲ عصر جمع می شویم و در مورد شرایط کار خودمان تصمیم می گیریم. و مجمع عمومی خودمان را تشکیل می دهیم. مجمع عمومی تشکل واقعی ما کارگزارانست. ما تشکیل سندیکا را حق خود می شماریم. ۳- ما خواهان انعقاد قرارداد با همه کارگران قراردادی و بازگشت آن ها به کار هستیم. ۴- ما خواهان پرداخت فوری همه طلب هایمان با پاداش و بن هستیم. ۵- ما خواهان اجرای طرح طبقه بندی مشاغل هستیم.

۶- ما خواهان برشمردن کار ما به عنوان کار سخت و زیان آور هستیم. ما تا رسیدن به خواست هایمان به اعتراضات خود ادامه می دهیم و از مدیریت جدید می خواهیم به خواست های ما فوراً پاسخ دهد.

در این میان، ۲۵ مهر ماه، ۳۴ نماینده مجلس شورای اسلامی نیز از ترس گسترش و تداوم اعتصاب و اعتراض کارگران، در نامه ای به احمدی نژاد، رئیس جمهوری، «به خاطر سیاست های اشتباه اقتصادی تذکر دادند.» ۱۷ نماینده در تذکری کتبی خواستار پاسخ گویی احمدی نژاد نسبت به علت واردات سه میلیون تن شکر به کشور با تعرفه صفر درصد شدند که موجب تعطیلی ۳۵ کارخانه شکر و بیکاری هزاران کارگر شده است.

اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه، در جهت پیگیری خواست هایشان به عنوانین و اشکال مختلف ادامه دارد، به طوری که این کارگران معترض در اطلاعیه های خود نیز هشدار داده اند تا برآورده شدن اهداف شان، به اعتراض و اعتصاب بر حق خود ادامه خواهند داد.

اعتراض ده ها هزار کارگر به لایحه ضد کارگری دولت احمدی نژاد در سراسر ایران

هزاران کارگر روز سه شنبه ۳۰ آبان ۱۳۸۶ برابر با ۲۰ نوامبر ۲۰۰۷، به مناسبت سالروز تصویب قانون کار اجباراً در محل گور خمینی تجمع کردند و مخالفت خود را با لایحه پیشنهادی دولت احمدی نژاد برای اصلاح قانون کار اعلام نمودند. کارگران این محل را برای اعتراض خود انتخاب نکرده بودند، بلکه نیروهای انتظامی کارگران را وادار کردند تجمع اعتراضی خود را در این محل پیش ببرند. صبح قبل از این اعتراض، نیروی انتظامی مانع از تجمع بسیاری از این کارگران جلوی ساختمان خانه کارگر شده و آن ها را وادار کرده بود برای بیان اعتراض خود به محل دفن بنیان گذار حکومت جهل و جنایت اسلامی که خارج از محدوده شهری تهران قرار دارد، بروند.

بر اساس گزارش ها، چندین هزار کارگر که در ساعات ابتدایی صبح سه شنبه، از واحدهای صنعتی تهران، کرج، ورامین، شهر ری، ساوه، ماهدشت، اسلامشهر، کاشان، ساوجبلاغ، قائم شهر و... به تهران آمده بودند، به سمت دفتر مرکزی خانه کارگر واقع در خیابان ابوریحان حرکت کردند، پس از حضور در مقابل خانه کارگر با مانع مامورین نیروهای انتظامی مواجه شدند و این تجمع را «غیرقانونی» اعلام کردند. نیروی انتظامی، به تجمع کنندگان در این محل اعلام کرد که تنها تجمع قانونی در این روز، «تجمع در حرم امام خمینی است»، و این کارگران نیز به ناچار برای بیان اعتراض خود به سمت این محل رفتند.

گزارش ها حاکی از آن است که در همین روز در شهرهای دیگر نیز تجمعات مشابهی برگزار شده بود. در تجمع کارگران در تهران نیز شعارهایی هم چون «درود بر کارگر»، «۵۰۰ واحد بحرانی = پنج میلیون گرسنه، افتخار نیست»، «این اصلاح موجب اخراج دسته جمعی کارگران از کارخانه ها خواهد شد»، «وزیر بی لیاقت استعفا استعفا»، «مرگ بر جهرمی، درود بر کارگر»، «امنیت شغلی حق مسلم ماست»، «جهرمی جهرمی این آخرین اخطار است»، «فرانسه را رها کن، فکری به حال ما کن»، «کارگر می میرد، ذلت نمی پذیرد»، «اصلاح قانون کار، سد کارگران است»، «قرارداد موقت ملغی باید گردد»، «جهرمی حیا کن وزارت رارها کن» و... سر داده شده است.

وزارت کار و امور اجتماعی دولت نهم، پیش نویس لایحه ای را تهیه کرده است که بر اساس آن، موضوع اصلاح قانون کار برای سومین بار مطرح می شود. این اصلاحیه که با توجه به هماهنگی دولت نهم با مجلس هفتم احتمال

تصویب آن نیز زیاد است، کاملاً به نفع کارفرمایان و به ضرر کارگران به عنوان طرف ضعیف قراردادهای کار است. يك بند از این لایحه، دست کارفرما را برای اخراج هر چه بیش تر کارگران بازتر می کند. لایحه پیشنهادی دولت احمدی نژاد، تغییراتی را در تبصره های ماده ۲۷ این قانون پیشنهاد می کند که بر اساس آن کارفرما اختیار پیدا می کند به صرف این که به زعم او «کارگر در انجام وظایف قصور ورزد و یا آیین نامه های انضباطی کارگاه را نقض کند» پس از دو بار تذکر کتبی، کارگر را اخراج کند.

هر چند سران خانه کارگر محبوب و صادقی، سعی می کردند تجمع اعتراضی کارگران را مهار کنند و فقط به تغییر قانون کار محدود کنند اما، کارگران مشکلات دیگر خود را نیز در شعارهای خود به میان کشیدند، به طوری که حتی خبرگزاری های رسمی دولتی نیز سخنان کارگرانی را منعکس کردند که از ۳ تا ۱۷ ماه حقوق آن ها عقب افتاده بود. خانه کارگر و شوراها و انجمن های اسلامی، اساساً ارگان های کنترل و سرکوب حکومتی در درون طبقه کارگر ایران هستند که تاکنون اکثریت کارگران نه تنها به این ارگان ها نپیوسته اند، بلکه در جاهایی مانند نیشکر هفت تپه که اعتراض و اعتصاب کارگران بالا می گیرد آن ها، از جمله به انحلال این ارگان های سرکوب و برپایی تشکل مستقل پافشاری می کنند.

ایسنا، طی گزارشی از این تجمع کارگران، از جمله نوشت: «به گفته یکی از تجمع کننده ها که کارگر شرکت الکتریکی در قزوین بود او ۱۷ ماه است که حقوق نگرفته و هم چنان وضعیت واحدی که در آن کار می کرد معلوم نیست و علاوه بر او همکار دیگرش اظهار کرد: دو سال است که از شرکت عیدی و پاداش دریافت نکردیم و برای اعتراض به فرمانداری ها، استانداری و اداره های دیگری رفتیم اما هیچ نتیجه ای نداد. یکی از کارگران يك شرکت الکترونیکی که از خصوصی شدن واحد خود ناراضی است نیز بیان کرد: با خصوصی شدن واحد ما سه ماهی بیکار شدیم و 40 کارگر نیز اخراج شدند که خوشبختانه با پیگیری هایمان توانستیم ۴۰ کارگر را به واحد بازگردانیم. به گفته این کارگر اصلاً نظارتی بر کار خصوصی شدن واحدها وجود ندارد. پیرمرد ۸۰ ساله ای که از مقدار حقوق دریافتی خود ناراضی است نیز در مورد مشکلات خود گفت: با ۳۵ سال سابقه کار و ۸۰ سال سن، حقوقی را به من می دهند که برای معیشت خانواده ام کافی نیست...»

از جمله در گزارش ها آمده بود که در شرکت های پاکدشت کرج، اجازه خروج از کارخانه به کارگران داده نشده و فقط ۳۰۰ کارگر موفق شدند به تهران بروند. حدود ۳۵۰ کارگر با ۷ اتوبوس از سمنان، برای شرکت در تجمع اعتراضی کارگران در مخالفت با تغییر قانون کار به تهران آمدند. در سمنان نیز بیش از ۱۰۰۰ کارگر از کارخانه های مختلف علیه وزیر کار، طرح و اصلاح قانون کار تجمع اعتراضی برگزار کردند.

بیش از ۴۰۰ نفر از کارگران کارخانه های ساوه برای اعتراض به طرح به اصطلاح قانون کار به تهران آمدند. ۵۰۰ نفر از کارگران کارخانه های مختلف مقابل خانه کارگر این شهر تجمع کردند و علیه وزیر کار و اصلاح قانون کار شعار دادند.

در شیراز در محوطه خانه کارگر صدها کارگر از ۱۰۰ کارخانه کل استان جمع شدند. حدود ۵۰-۴۰ پلاکارد نصب کرده بودند. در تظاهرات کارگران یزد، درگیری های کوچکی بین کارگران و مأمورین سرکوبگر درگرفت و یکان ویژه خیابان ها را تا پایان این تجمع و تظاهرات بسته بود. ساعت ۹ صبح سه شنبه ۲۹ آبان ۸۶، بیش از ۶۰۰ تن از

کارگران کارخانجات مختلف اصفهان در سالن اجتماعات خانه کارگر تجمع کردند تا اعتراض خود را نسبت به قانون ضدکارگری و علیه اجحافات دولت احمدی نژاد و وزیر کار اعلام دارند.

در شهرهای دیگر ایران نیز به شیوه مختلف نسبت به لایحه ضدکارگری دولت احمدی نژاد، آکسیون ها و اعتراضاتی برگزار گردید.

لازم به تاکید است که در تظاهرات کارگری، خانه کارگر ضدکارگر و مجری سیاست های حکومت اسلامی در درون جنبش کارگری، همواره سعی کرد اعتراض کارگران را به رقابت های جناحی حکومت محدود کند تا بهره برداری سیاسی خود را ببرد. خانه کارگر، هم چنان تلاش می کند اعتراضات کارگران را با برگزاری و سازمان دهی اعتراضات کنترل شده و نمایشی از اهداف واقعی منحرف و خواست های کارگران را از مضمون طبقاتی و ضدحکومتی تهی سازد. اما تاکنون، کارگران بارها تجمعات خانه کارگر را به تریبونی برای بیان اعتراض خود علیه حکومت سرمایه داری اسلامی و سران خانه کارگر تبدیل کرده اند و امکان بهره برداری و سوء استفاده سیاسی به آن ها نداده اند.

اساساً قانون کار حکومت اسلامی، در کلیت خود یک قانون ضدکارگر است اما در این سال ها دولت رفسنجانی، خاتمی و اکنون نیز احمدی نژاد، همگی سعی کرده اند آن بندهای ضعیفی از قانون کار هم که به نفع کارگران است به نفع کارفرمایان و سرمایه داران تغییر دهند. مسلماً تا روزی که نمایندگان واقعی منتخب کارگران، قانون کار را تدوین و به حکومت تحویل نکنند قانون کار موجود ابزار مهمی در دست کارفرمایان و سرمایه داران و حکومت حامی آن ها برای استثمار شدیدتر کارگران، هم چنان به کار گرفته خواهد شد.

جمع بندی

اعتراض و اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه، و اعتراض ده ها هزار کارگر به لایحه پیشنهادی دولت در رابطه با تغییر قانون کار به نفع کارفرمایان، مهم ترین حرکت اخیر جنبش کارگری ایران به شمار می آید.

با توجه به جمعیت حدود ۱۲/۲ میلیون نفری زیر خط فقر مطلق و ۱۶/۵ میلیون نفری زیر خط فقر نسبی و افزایش حداقل ۵ میلیونی جمعیت فقیر براساس پیش بینی های خوش بینانه برنامه چهارم توسعه دولت تا سال ۱۳۸۸ و نرخ بالای ترک تحصیل، اگر تنها با یک تخمین ۱۰ درصد از جمعیت فقیر ذکر شده کودک باشند چیزی حدود ۲/۸ میلیون کودک در معرض ورود به مناسبات اقتصادی و کار هستند. از سوی دیگر با خروج کارگاه های زیر ۱۰ نفر از شمول قانون کار و فقدان نظارت هایی که می باید وزارت کار در مورد کارگاه ها انجام دهد و در شرایطی که رقم بالایی از بیکاری وجود دارد مجموع شرایط مذکور و ارزان قیمت بودن نیروی کار کودکان و مطیع بودن آن ها، زمینه مناسبی را برای سودجویی از کودکان کار ایران فراهم کرده اند.

مطابق اطلاعات مرکز آمار ایران، تعداد جوانان ۲۰ تا ۲۴ سال که آماده ورود به بازار کار هستند بیش از ۹ میلیون نفر است. این در حالی است که به گفته محمد جهرمی، وزیر کار و امور اجتماعی طی دو سال از برنامه چهارم توسعه تنها ۲ میلیون شغل جدید ایجاد شده است. (روابط عمومی وزارت کار، ۱۵ مرداد ۸۶) همچنین ۷۵ درصد بیکاران ثبت نام شده در باشگاه کار، فاقد مهارت هستند؛ بیکارانی که بخشی از آن ها با شغل های کاذب روزگار می

گذرانند، بیکاری شان پنهان می ماند اما فقرشان آشکار است.

این در حالی است که خبرگزاری انتخاب، ۱۸ آذر ماه سال جاری نوشت: به گزارش خبرنگار سرویس دین و اندیشه خبرگزاری انتخاب، محمد حسین صفارهرندی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، گفت: بودجه فعالیت های قرآنی این وزارتخانه در آغاز فعالیت ۶۰۰ میلیون تومان بود اما در حاضر این رقم به مرز ۸ میلیارد تومان رسیده است. وی اضافه کرد: بودجه فعالیت های قرآنی تا سال آینده ۲ برابر خواهد شد و قرار است این بودجه به مرز ۲۰ میلیارد تومان برسد. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در چارچوب این افزایش بودجه همچنین گفت: بودجه سالیانه، فعالیت کانون های فرهنگی؛ هنری در هر مسجد سال آینده به ۵ میلیون ریال می رسد. صفارهرندی افزود: در حال حاضر ۲۵۰۰ مسجد تحت پوشش ستاد عالی کانون های مساجد کشور است که این تعداد در سال آینده به ۴۵۰۰ مسجد می رسد. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با اشاره به تجهیز کتابخانه مساجد سراسر کشور گفت: با اعتباری در حدود ۲ میلیارد تومان حدود ۴۰ هزار جلد کتاب با موضوع مسائل دینی از جمله نماز و مسجد در کتابخانه های مساجد و مدارس توزیع شده است. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، همچنین گفت: ۲۵۰ فیلم کوتاه و بلند با موضوع ترویج فرهنگ نماز مورد حمایت قرار گرفت.

اگر این بودجه های کلانی که هر سال دولت و مجلس شورای اسلامی به تبلیغات و خرافات مذهبی اختصاص می دهند که برای هیچ شهروندی نان و آب نمی شود و شکم کسی را نیز سیر نمی کند غیر از دستگاه تبلیغ خرافی و شست شوی مغزی جوانان متوهم؛ با بودجه های اختصاصی به آموزش و پرورش، بهداشت و درمان و اشتغال مقایسه کنیم به سادگی می بینیم که در این عرصه های کمبودهای کلانی وجود دارند و همواره مسئولان آن نیز می نالند. بنا به اقرار قائم مقام وزیر آموزش و پرورش، «وزارت آموزش و پرورش در سال جاری با ۲ هزار و ۱۰۰ میلیارد تومان کسری بودجه مواجه است.» (خبرگزاری فارس، ۱۲ آذر ۱۳۸۶) بنابراین، پول در دستگاه حکومت اسلامی به وفور وجود دارد اما نه برای رفاه و آسایش و امنیت شغلی شهروندان، که این هم ریشه در ایدئولوژی و تفکر و سیاست های سرمایه داری حکومت اسلامی دارد.

بدین ترتیب، مسلم است که حکومت اسلامی، بودجه های کلانی به ارگان های سرکوب، تولید سلاح های کشتار جمعی، تبلیغ خرافات ارتجاعی اسلامی و غیره اختصاص می دهد؛ در حالی که آگاهانه و عامدانه کلیه مزدبگیران را در فقر و فلاکت اقتصادی نگاه می دارد تا آن ها آن چنان در تامین نیازهای زندگی خود و خانواده شان غرق شوند تا به فکر سیاست و فعالیت سیاسی نیافتند. کسی که گرسنه است فرصت و وقت و حوصله فکر کردن ندارد تا به امور سیاسی و اجتماعی فکر کند، بلکه خودش را به هر آب و آتشی می زند تا زندگی بخور و نمیر خود و خانواده اش را تامین کند. در کشوری که شهروندان آن بر روی منابع غنی اقتصادی نشسته اند و حکومت آن نیز یکی از ثروت مندترین حکومت های جهان به شمار می آید، اما اکثریت این شهروندان به سختی زندگی خود را تامین می کنند؟!!

مسلم است که این وضعیت نه تنها خود به خودی به نفع کارگران تغییر نخواهد کرد، بلکه روز بروز نیز همه مزدبگیران با موقعیت اقتصادی و سیاسی و اجتماعی دشوارتری دست به گریبان خواهند بود. جوانان بیش تر از این، امید خود را در راه رسیدن به اشتغال و زندگی مستقل از دست خواهند داد و زندگی بسیاری از آن ها دستخوش ناملایمات و ناکامی ها و آسیب های اجتماعی خواهد شد. برای برون رفت از این وضعیت، تنها برپایی تشکل مستقل

و سراسری کارگران و پیوند جنبش زنان و جنبش دانشجویی با این جنبش و روی آوری به فعالیت های هدفمند اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است. یک دست صدا ندارد و مبارزه جداگانه کارگران یک کارگاه و کارخانه نیز به جایی نخواهد رسید. اگر این مبارزات پراکنده در اتحاد و همبستگی و در ارتباط با هم قرار گیرند آن وقت روزنه های امید دیگری بر روی مبارزه طبقاتی ما گشوده خواهد شد.

قدرت کارگران در اتحاد و مبارزه متشکل و هدف مند است. از این رو، کارگران، برای تحمیل خواست ها و مطالبات خود به سرمایه داران و حکومت حامی آن ها، به یک تشکل سراسری قدرت مند مانند نان شب نیاز دارند. فعالین این جنبش و آن هایی که از نزدیک دستی بر آتش دارند این کمبود بزرگ را به خوبی حس می کنند و تاکنون نیز در این راه آگاهانه بهای سنگینی پرداخت کرده اند. «جرم» نابخشودنی محمود صالحی، منصور اسانلو، مددی و غیره نیز همین است. رفیق کارگری که در روز روشن توسط تروریست های حکومت اسلامی ترور می شود تنها گناهی پیگیری برپایی تشکل مستقل کارگری و پیگیری مطالبات هم طبقه ای هایش است. فعالین جنبش زنان و جنبش دانشجویی نیز به همین «جرم»، تهدید و دستگیر و زندانی می شوند. به بیان دیگر، در جامعه تحت کنترل و اسارت بارحکومت اسلامی، انسان های برابری طلب و عدالت خواه «مجرم» شناخته می شوند و تروریست ها و ستم گران و استثمارگرانی که حتی به سفره خالی کارگرنیز دست درازی می کنند حاکم و رهبروریس جمهوروزیرونماینده مجلس و شهردار و فرماندار و ... هستند؟ اینهم از واقعیت های تلخ و جان کاه تاریخ جامعه ماست! تاریخی وارونه ای که باید با قدرت طبقاتی کارگران و مردم محروم و آزادی خواه دگرگون شود و حکومت نه مافوق جامعه، بلکه مطیع آن باشد. خفقان پلیسی و سرکوب های هیستریک و سکتاریسم و مشکلات مالی از جمله موانع اصلی و مهمی هستند که بر سر تشکل یابی سراسری کارگران ایران قرار دارند. اتفاقا با توجه به این فضای رعب و وحشت و با در نظر گرفتن کلیه موازین امنیتی، باید تلاش گسترده و پیگیری را برای تشکل یابی سراسری کارگران سازمان دهی کرد.

در این میان همه نهادها، سازمان ها و احزاب کارگری کمونیستی موظفند که بدون کوچک ترین چشم داشتی و بدون فرقه گرایی (سکتاریسم)، امکانات خود را در اختیار سازمان یابی و اتحاد طبقه کارگر قرار دهند.

نباید به این وضعیت غیرانسانی که حکومت سرمایه داری اسلامی، عامل و بانی اصلی آن است، گردن گذاشت؛ وضعیتی که شایسته هیچ انسانی و هیچ شهروندی نیست. تنها طبقه کارگر متحد و متشکل با افق و چشم انداز مبارزه سوسیالیستی می تواند به این وضعیت خاتمه دهد؛ جلو سرکوب های حکومت اسلامی را بگیرد؛ خواست ها و مطالبات خود را به این حکومت تحمیل کند؛ در مقابل فعالیت های ماجراجویانه اتمی حکومت اسلامی و سیاست های تجاوزکارانه امپریالیستی بایستد و سرانجام با سرنگونی حکومت اسلامی، و با تاسیس حکومت خود و با اتکا به روابط و مناسبات شورایی، کل جامعه ایران را از نابرابری و تبعیض، تهدید و ترور، شکنجه و اعدام و استثمار انسان از انسان رها سازد.

بهرام رحمانی

bamdadpress@ownit.nu

نیمه اول آذرماه ۱۳۸۶ - نیمه اول دسامبر ۲۰۰۷